

عبدالقادر « بیدل »



ابوالمعانی میرزا عبدالقادر فرزند عبدالخالق معروف به « بیدل » (1057 ه.ق. / 1644 م. - 1133 ه.ق. / 1720 م.) شاعر و فیلسوف فارسی گوی حوزه تمدنی ایران بزرگ بود. این شاعر و خردمند شهیر ، عارف و صوفی نامدار به احتمال قریب در خواجه رواش، اهالی کابل، زاده شدو در هند در گذشته . بقول استاد سید محمد داؤد الحسینی خطاط مشهور کابل ، بیدل از قریه خواجه رواش که بنام محله جغتایی ها، یعنی اقوام بیدل، معروف است زاده شده و بعد از در گذر آن مرد صوفی در هند، بقایای او را بکابل آورده اند.

با توجه به درآمدی به معنای باز بینی اندیشه بیدل دیدگاه بکر « وجود شناختی » و « جهان شناختی » که با نقد عرفان به بیان گرفته شده نقش انسان وجایگاه شایسته آن در رویکرد های فکری او قابل درک وستایش است .

نوشتار آن : مثنویهای ، عرفات ، طلسم حیرت ، طور معرفت ، محیط اعظم ، تنبیه المهوسین ، ودیوان قصاید و غزلیات وترجعیات وترکیبیات ومقطعات ومستزاد و تواریخ ومربع و مخمس وهزلیات ورباعیات ، می باشد.

وی در نظم ونثر سبک خاصی داشت ودر آثارش که مشتمل بر « نود هزار بیت « میباشد ، افکار عرفانی با مضامین پیچیده و استعارات وکنایات درهم آمیخته است در دفاع از « انسان » همچو مفاهیم ، آزادی ، تعلق ناپذیری ، فروتنی ، دلگرایی ، آزاد اندیشی وروشنگری وخود شناسی وده ها ارزشها و سجایای اخلاقی را به تشریح گرفته است.

" بیدل وآن نحلۀ فکری که وی بدان وابستگی اشراقی ومعنوی دارد ، خرد را بمتابۀ یگانه ابزار شناخت حقیقت نفی میکنند ودر نظام مقوله های هستی شناختی خویش چه در رابطه بمسائل عدم غیب وچه در پیوند بمسائل جهان شهادت به نظرگاهی شهودی و غیر استدلالی رسیده اند وابسته دانست . " (1) زیرا حضرت « بیدل » خود می فرماید :

چندان نرמידم ز تعلق که پس از مرگ

خاکم به بر خویش کند نقش قدم را

یک گل بهار دارد این رنگ وبو چه حرفست

تهمت کشان نامند بیرونی و درونی (2)

حضرت بیدل در بسیاری از آیات عرفانی و اشراقی شعری خویش تلقی های عرفانی و اشراقی دینی، را رد مینماید و بحث آمیخته به خورد را به میان می آورد :

بدل زمقصد موهوم خار خار مریز
در امید مزن خون انتظار مریز
مبند دل به هوای جهان بی حاصل
ز جهل تخم تعلق بشوره زار مریز
به یکدو اشک غم ماتم که خواهی داشت
گل چراغ فضولی بهر مزار مریز
حدیث عشق سزاوار گوش زاهد نیست
زالال آب گهر در دهان مار مریز
بعرض بی خوردان جوهری کلام مبر
بسنگ و خشت دم تیغ آبدار مریز
بتر دماغی کر وفر از حیا مگذر
ز اوج ناز به پستی چو آبشار مریز
ز آفتاب قیامت اگر خبر داری
بفرق بیکلهان سایه کن غبار مریز
خجالت است شگفتن به عالم او هام
در آن چمن که نئی رنگ این بهار مریز
خراب گردش آن چشم نشه پرور باش
بساغر دگر آب رخ خمار مریز
اگرچه جرأت اهل نیاز بی ادبیست
ز شرم آب شو و جز به پای یار مریز
بهرچه ناز کنی انفعال همت است
غبار ناشده در چشم انتظار مریز
بهر بنا که رسد دست طاقتی بیدل
بغیر ریختن رنگ اختیار مریز (3)

تحلیل ، سبک و روشهای حقیقت شناختی « بیدل » در پهنه های اشکال شعور اجتماعی و اخلاقی زمانه اش ، شاخصه کاملاً کم نظیر دارد. از آنجاییکه « تمثیل » وسیله اساسی اثبات احکام در فرهنگ و ادبیات کلاسیک ماست که از دوران تجمعات اولیه و نظام های طایفه یی ، به ارث مانده است . این روش از گونه های اساسی و فراگیر روشی دیوان « بیدل » است. که نمونه آنرا را در زیر به خوانش می گیریم :

امان خواه از گزند خلق در گرم اختلاطی ها
که عقرب بیشتر در فصل تابستان شود پیدا

بنای وحشت این کهنه منزل عبرتی دارد
که صاحب خانه گر پیدا شود مهمان شود پیدا (4)
ز چاک دانه خرما شد اینقدر معلوم
که از وفا دل سخت شکر لبان خالی است

گهرزیاس کمر بر شکست موج نه بست
دلی که پر شود از خود ز دشمنان خالیست(5)

به وقت رخصت یاران تواضع می شود لازم
قد پیران به آهنگ وداع عمر خم دارد (6)

" ... با توجه به موج همه سویه جهانی روشنگری ، میتوان گونه های معتنابهی از جوه اشتراک روند اروپایی عصر روشنگری را در رویکرد های بینشی بیدل بازیافت و یا عبارت دیگر میتوان در رویکرد های بیدل ، گرایش های مشخصی در جهت روشنگری و خرافه ستیزی و انسان سالاری بازیافت که بعد ها در اروپا پدیدار گردید، چنانکه از جمله روشن اندیشی ، آزادمندی ، تعصب زدایی ، تسامح دینی و خرافه ستیزی - فرانسواماری آروئه مشهور به ولتر (1694 - 1778 م.) را چون امتثال رویکرد های بینشی « انسانگرایی » بیدل بر شمرد ... می شود میان فراموش ناشدنی ترین کارنامه های ولتر و بیدل مقایسه کرد ، از جمله اینکه با وجود فراخوان های فراوان حکام وقت بیدل نتنها خود جبین به آستان دربار ها نسایید و بمدح شاهان نپرداخت ، بلکه از شکم پرستان لاشخور و کاسه لیسان دربار بانفرتی ویژه اشمئزاز مینماید و آنان را همچون « دم » حیوان ، دنباله رو دنوان می شناسد (7) :

زیر دست التفات چترشاهی نیستم

موی سر در سایه پرورد است مجنون مرا(8)

هوس به لذت جاهم نکرد دعوت حرص
مگس نداد فریب از لعاب شیرینم (9)

امروز هیچ کس نیست شایسته ستودن
مضمون تهمت چند باناقصان چه بندیم (10)

بیدل باشناخت درست از آزادی و شایسته سالاری انسان ، بابانگ رسای وجدان پاکیزه انسانی ، نیاز زمان خویش را درک میکند و با روشن بینی عقلانی با ایراد زیرکانه از نظام حاکم وقت اسلوب بالارفت در فراسوی قله های آزادی را به تأمل می گیرد ، و میگوید:

به هوش باش که دیوانگان غره دولت

مرس گسسته سگانند بی قلاده به هرسو(11)

به پیش خلق ز انداز عالم معقول
زبان ببند که افسار این خران باز است(12)

بر خلق بی بصیرت تا چند عرض جوهر
باید ز شهر کوران چون نور دیده رفتن(13)

کو گوش که کس بر سخنم فهم گمارد
مشغول نواسنجی خویشند کری چند(14)

غزلیات بیدل، شورانگیزترین غزلیات می باشد ساقی نامه او از بهترین آثار او بجاست. رباعیات بیدل رویهمرفته به سه هزار و هشتصد و یک رباعی میرسد. رباعیات بیدل با همه رفعت و اتفاق خود باز هم بیایه غزل او نمیرسد. زیرا بیدل شاعر غزل است و اوج برین اقبال خود را در غزل می یابد.

صور خیال در اندیشه و رویکرد فکری بیدل مراتب خاصی را بخود باز می کند. گرچه صور خیال تصویری از صورت دنیای مجرد است که در ذهن و مخیله به جولان در می آید. و در روان شناسی قدیم آنرا « علم النفس » خوانند، نگرانی و ترس، دغدغه خاطر، گفتگو، گمان، حدس، صورت یا شکل کسی یا چیزی در ذهن، هنگامی که خود آن در جلو چشم نیست. اندیشه انجام کاری، قصد و فکر، ویکی از خواص باطن، یا قوه ایکه در غیاب اشیاء تصویر آنرا در ذهن حفظ می کند، ویا برداشت های تصویری که بی پایه و فاقد ارزش علمی در ذهن تولید می شود، میباشد.

در شعر بیدل انواع مختلف از خیال وجود دارد. طبع دراک بیدل به قله های بلند معانی به پرواز آمده تخیلات و افری را در جهان ادبی و شعر به تصویر میکشد، همچنان ابعاد مختلف دیگر، حقیقت انسان و طبیعت نیز از زیور آفرینش تخیل و تصاویر او بهره ها برده اند.

در دنیای معرفت و عرفان، تشبیهات با تصاویر ناب و تخیلات عارفانه بیدل، فروغ بخش چشم های باطن روشن ضمیران و راهنمای راهروان راه طریقت و حقیقت شده اند.

شعرا در آفرینش تصاویر از تجربیات حسی، عقلی و عینی در حیات خود استفاده میکنند. تمرین و ممارست در آثار قدما و پیشکسوتان و خداوندان شعر و ادب، نیز آنها را در این امر دستگیری و یاری میرساند تا کار شان از درجه سخنان عادی به درجه تخیل میرسد و خواننده با ذوق از خوانش آن محظوظ میگردد.

فهم و ادراک تصاویر خلق شده در کلام شاعران نسبی است، یعنی به قول مولانا هر کس سپر دانشش بیشتر باشد، دریافتش به آن تصاویر و معانی بهتر است. لازم است چند بیتی از مولانا را که برای علاقمندان مثنوی خود گوشزد نموده است، اینجانبان نمائیم:

نکته ها چون تیغ الماس است تیز

گر نداری تو سپر واپس گریز

پیش این الماس بی اسپر میا

کز بریدن تیغ را نبود حیا

زان سبب من تیغ را کردم غلاف

تا نخوانی کج نخواند برخلاف

گوشزد مولانا برای مخاطب خیلی بجا بوده بگفته او بدون سپر دانش ممکن نخواهد بود کلام رادمردان راه طریقت و حقیقت را که طبیبان دلها اند، فهمید و به تصاویر خلق شده آن پی برد.

چون بحث ما بصورت ایجاز مدخلی برزمینه های بیان هویت فرهنگی سرزمین آریان و پارسی گوین جهان است با توجه به این اصل روند محوری رشد اندیشه ما را شناخت ارزش فرهنگی و تاریخی نیاکان ما تشکیل می دهد.

چون میزان توجه به زندگی و آثار و سبک بالنسبه پژوهشی ارجناک ولی اندک در موردانتشار ابعاد ادبی و فکری و اخلاقی « بیدل » این اندیشمند فارسی گویی حوزه تمدنی قاره کهن بر علاوه کشور های فارسی گوی در مطبوعات برون مرزی همچو هند ، پاکستان ، ایران ، مسکو و وو ، نیز موجود است ، جهت تکمیل رهنمائی علمی و مسلکی نسل دگراندیش در مورد رویکرد های فکری این خردمند ادب و فرهنگ اصیل زبان فارسی مان ، ذکر منابع و مأخذ ذیل را ضروری میدانیم : (15)

- 1- و اصف باختتری ، گزارش عقل سرخ ، ص ، 118.
- 2- دیوان اشعار مولانا عبدالقادر بیدل ، تصحیح کننده : استاد خلیل الله خلیلی ، ج دوم ، ص 1188 ؛
و رجوع شود به : « فرهنگ معین » جلد پنجم ، ص 308 .
- 3- دیوان مولانا عبدالقادر « بیدل » دهلوی ، به تصحیح : استاد خلیلی ، با مقدمه : منصور منتظر ، ناشر : نشر بین الملل ، چاپ : مقدم ، ج 2 ص 720 - 721 .
- 4- همانجا ، ج اول ، ص 103 .
- 5- همانجا ، ص 234 .
- 6- همان کتاب ، ج دوم ، ص 622 .
- 7- آئین زاهد در آئینه دیوان بیدل ، دکتر نورالحق کاوش ، نشر نیما - آلمان ، چاپ اول ، 2002 ، ص 20 - 21 .
- 8- بیدل ، میرزا عبدالقادر ، دیوان اشعار ، بتصحیح استاد خلیلی ، به اهتمام حسین آهی ، تهران ، چاپ سوم ، نشر فروغی ، 1371 ، ص 133 .
- 9- همانجا ص 823 ،
- 10- همانجا ص 962 ،
- 11- همانجا : ص 1091 ،
- 12- همانجا : ص 221 ،
- 13- همانجا : ص 1012 ،
- 14- همانجا : ص 539 .
- 15- رجوع شود به آثار :
- « آیین زاهد در آئینه دیوان بیدل » ، « نویسنده : داکتر نورالحق کاوش » ، چاپ : نشر نیما - آلمان / سال 2002 میلادی.
- غزلیات بیدل « نویسنده : یوسف علی میرشکاک / با اسم مستعار « منصور منتظر » از سوی نشر بین الملل در سال 1364 هـ.ق.
- متن کامل غزلیات بیدل چاپ کابل با تیراژ مجموعی حدود هفده هزار نسخه و به کوشش « آقای حسین آهی » و بوسیله انتشارات فروغی در ایران ، تجدید چاپ شد .
- کتاب گزیده رباعیات بیدل ، انتشارات ترانه مشهد ، کتاب بوطیقای بیدل (1378 هـ.ق. / مشهد)
- کتاب خوشه هایی از جهان بینی بیدل (1381 هـ.ق. / مشهد) ، بوسیله نویسنده و شاعر افغانستانی مقیم ایران « عبدالغفور آرزو » به چاپ رسیده اند .
- گل چاربرگ « نویسنده آقای مهدی الماسی » در انتشارات مدرسه .
- عبدالقادر بیدل دهلوی « نویسنده پروفیسور نبی هادی » از ادبای هندوستان ، با ترجمه « داکتر توفیق سبحانی » ، نشر قطره ، تهران ، 1376 هـ.ق. .
- نقد بیدل ، « نوشته از علامه صلاح الدین سلجوقی » دانشمند متأخر افغانستان به همت یکی از ناشران افغانستانی ، در ایران تجدید چاپ شده است .
- اینها و ده ها اثر پر ارزش دیگر در مورد بیدل شناسی ، بچاپ رسیده است .

